

مستندات فقهی تولید محصولات تراریخته با تأکید بر منابع قرآنی و روایی

محمد مهدی کریمی نیا^۱، زهرا نظام آبادی^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۲ سطح سه (کارشناسی ارشد) از حوزه علمیه خاوران ریحانه النبی اراک

^۳ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، پژوهشگر و مدرس دانشگاه

چکیده

نظر به توسعه روز افزون مهندسی ژنتیک و محصولات تراریخته در سطح جهان و واردات بدون نظارت این محصولات و همچنین با توجه به اختلاف نظر دانشمندان این حوزه در مزایا و مضرات این تکنولوژی، جامعه هنوز به اطمینان خاطر جهت تولید، مصرف و تجاری سازی این محصولات نرسیده و تولید و مصرف این محصولات با چالش هایی در داخل کشور روبرو است. با توجه به اینکه احکام شرع مبنای قوانین موضوعه در جامعه ماست، بررسی مستندات فقهی و تبیین حکم فقهی این موضوع، اهمیت ویژه ای دارد. در پژوهش حاضر با نگاه توصیفی-تحلیلی تلاش می شود بعد از تبیین موضوع، ابتدا نظر کارشناسان موافق و مخالف، در قالب مزایا و نگرانی های توسعه محصولات تراریخته مورد توجه قرار گرفته و سپس مستندات فقهی تولید، این محصولات براساس فقه امامیه مورد بررسی قرارگیرد. به علت مستحدثه بودن این فن آوری، دربررسی کتاب ها، مقالات و سایت های اینترنتی با موضوع تراریخته، مطالب قابل توجهی درباره مستندات فقهی تراریخته مشاهده نشد و بعضی از معدود آثار موجود نیز دارای سبقه سیاسی یا نفع اقتصادی بود. با این وجود هرچند فواید و مزایای زیادی برای این فن آوری در زمینه های مختلف شمرده شده، متناسب با آن مخاطرات قابل توجهی نیز متوجه این محصولات است. لذا یافته ها حاکی از آن است که با توجه به تنوع این گونه محصولات، براساس قاعده فقهی دفع ضرر محتمل باید جانب احتیاط را رعایت نمود تا سلامت هرنوع از آنها بطور جداگانه احراز نشده نباید قوت غالب مرم قرارگیرد. از طرف دیگر باید با حمایت از دانشمندان و تحقیقات، زمینه بهره مندی صحیح از این فن آوری فراهم شده از تسلط کفار به مسلمین جلوگیری شود. ایجاد قوانین لازم جهت تعیین محدوده آن و ساختار نظارت دقیق بر اجرای آنها در ابعاد تولید یا واردات و توزیع این محصولات الزامی است.

واژه های کلیدی: تراریخته، مهندسی ژنتیک، زیست فن آوری

مقدمه

توسعه تمدن صنعتی و ماشینی هرچند که موجب آسایش انسان شده، ولی در کنار آن مشکلاتی را نیز برای محیط زیست و حیات انسان ایجاد کرده است.

در استفاده از تکنولوژی، علی الظاهر نیت نادرستی در کار نبوده اما در جوامع مدرن معضلاتی مانند مشکلات زیست محیطی، افزایش تعداد حوادث به سبب افزایش سیستم های اتوماتیک، ظهور امراض جدید، اوضاع مسائل مجرمانه در فضای مجازی و صدها مورد دیگر، مستقیماً به استفاده از علم و فن آوری جدید مربوط می شود. باید دید طبیعت چگونه دیده شده تا امکان وقوع این تکنولوژی مهیا شود؟

آیا تکنولوژی مدرن فقط در قدرت و سرعت نسبت به فن آوریهای قدیمی برتری دارد یا در ماهیت و اثرگذاری نیز متفاوت است. هرچند در دیدگاه رایج فن آوری های مدرن، درامداد ابزار قیل و فاقد ویژگی و بار فرهنگی مثبت یا منفی به حساب می آورند ولی در دیدگاه دیگر ذات فن آوری های مدرن را دارای سوگیری خاص فرهنگی و دارای ماهیتی متفاوت به حساب می آورند. منظور از ذات تکنولوژی مدرن، ماهیت جدید و متفاوت داشتن و واجد کارکردها و تاثیرات متفاوت بودن است. آیا می توان شبیه سازی انسان را که محصول بیوتکنولوژی مدرن است همچون قلمه زنی سنتی گیاهان دانست!، اگر چه این پدیده در صورت مجاز و رایج شدن، اجتماع و نسل بشری را با تحولات شگرفی چون تغییر در مفهوم پدری و مادری و حذف نهاد خانواده و.... مواجه سازد.

تمدن جدید بخاطر تعریف غلطی که از انسان داشته، به مصنوعات دست یافته است که مظهر همان تعریف اولیه هستند و با انسان مواجهه ای اشتباه دارند. از مصادیق بارز و مشهور این مطلب بمب های اتمی و سلاح های شیمیایی هستند، اما نمی توان مطمئن بود که دیگر محصولات و مصنوعات تمدن جدید از این اشتباه مبرا باشند.

یکی از این فن آوری های جدید که در جهت افزایش کمیّت و کیفیت محصولات بوجود آمده، فن آوری تغییر ژنتیک محصولات گیاهی و حیوانی است که به آنها محصولات تراریخته گفته می شود. در این روش ژن یا ژنهایی از یک نوع گیاه یا حیوان که دارای ویژگی مطلوب و خاصی است برداشته شده و به گونه های دیگر منتقل می گردد تا خصوصیات ویژه یک محصول به محصول جدید اضافه گردد.

هر چند که برای این فن آوری مزایا و فواید زیادی شمرده شده ولی در کنار آن نگرانی های قابل تاملی نیز در زمینه های زیستی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی وجود دارد که بی توجهی به آن ها ممکن است موجب خسارت جبران ناپذیری گردد. از آن جا که مجموعه دستور های آسمانی بر محور وجود آدمی گرد آمده است هرگز انتظار نمی رود دین در برا بر سلامت محیط زیست و حیات انسان موضع سکوت و بی تفاوتی اتخاذ نماید.

در پژوهش حاضر با نگرش به مزایا و نگرانیهای فن آوری محصولات تراریخته و تاثیر آن بر بعد زیستی انسان و محیط زیست، اختصاصاً در استفاده از این فناوری به عنوان غذا، حکم فقهی تولید این گونه محصولات مورد بررسی قرار می گیرد. و مشخصاً به دنبال پاسخ به این پرسش است که دیدگاه فقه امامیه در مورد تولید محصولات تراریخته چیست؟

پیشینه

در پژوهش های انجام شده با موضوع تراریخته هریک از زاویه ای خاص، مانند مسائل زیست محیطی، اقتصادی، اخلاقی و غیره به موضوع نگاه کرده و کمتر به مسائل فقهی پرداخته شده است. از نمونه تحقیقات انجام گرفته در زمینه فقهی می توان به موارد زیر اشاره نمود.

۱- سید مجتبی نورمفیدی، حکم شناسی تراریخته، هفته نامه استان مقدّس امام خمینی (س)، (۱۳۹۵) سال پنجم، شماره ۲۳۸ به بررسی فقهی محصولات تراریخته پرداخته اند.

۲- نجف الهیاری فرد، بررسی دیدگاههای اسلامی شیعه درباره ی مصرف محصولات تراریخته، مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، سال ۱۳۹۲. در این مقاله با بررسی دیدگاه های اسلامی درباره مصرف محصولات تراریخته پس از ذکر تعدادی از فتاوی مراجع عالیقدر نتیجه گیری شده که استفاده از محصولات تراریخته به شرط ایمنی و بی ضرری و حفظ این همانی با محصولات طبیعی، بدون اشکال است.

۳- زهرا رضا نژاد، «مستندات فقهی حقوقی محصولات تراریخته»، دانشگاه علوم قران و حدیث پردیس تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۷. ایشان پس از بررسی مستندات فقهی محصولات تراریخته به این نتیجه رسیده اند که تولید این محصولات نه تنها از نظر فقهی با مانعی روبرو نیست حتی در مواردی مشوق زمینه سازی برای زیست فناوری نیز هست فقط ادله موجود جهت عدم جواز، مقیداتی به محدوده جواز تولید وارد می کند.

۴- مهدیه غنی زاده، فاطمه طباطبائی، «حکم تکلیفی تولید محصولات تراریخته از منظر فقه امامیه»، مهندسی ژنتیک و ایمنی زیستی، دوره ۷، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، ص ۲۶۷-۲۷۹.

نویسندگان در این مقاله با ذکر آیه ۱۶۸ بقره، بیان می دارند خداوند حکم حلیت تمام تصرفات در طبیعت بجز مواردی که که صریحاً نهی نموده را صادر فرموده و چون ذکر از تراریخته در قران نیامده حکم آن اباحه است. در جای دیگر مقاله با توسل به قواعد نفی سبیل و دفع ضرر محتمل نتیجه گرفته می شود که نه تنها ممانعت از تولید محصول تراریخته حرام بوده بلکه تولید داخلی آن بر مسلمین واجب است.

در پژوهش های مشاهده شده، معمولاً مزایای محصولات تراریخته قطعی در نظر گرفته شده و مضرات آن به شکل احتمال فرض می شود در صورتی که براساس تحقیقات و آزمایشات جدید مضرات بعضی از این محصولات ثابت شده و از طرفی بعضی از ویژگی هایی که مزیت محسوب می شد زیر سوال رفته است. بنابراین حکم مسئله فقهی عوض می شود

۱. فواید و مضرات محصولات تراریخته .

فواید و مضرات محصولات تراریخته به طور خلاصه شامل موارد زیر می شود.

۱-۱. مزایا و فواید محصولات تراریخته

مزایای محصولات تراریخته در سیزده قسمت زیر به شکل خلاصه آورده شده است.

۱-۱-۱. تولید محصولات مقاوم در برابر تنش های زیستی

طبق برآوردهای انجام شده آفات، تقریباً یک سوم از محصولات زراعی را سالانه از بین می برند. انواع ویروس ها، باکتری ها و قارچ های بیماری زا و آفت حشرات، از مهمترین تنش های زیستی برای گیاهان می باشند.

۱-۱-۱-۱. مقاوم سازی در مقابل ویروس ها

اگر پروتئین های کپسید یک ویروس نظیر موزائیک توتون قبل از آلودگی وارد گیاه شوند، توسط مکانیزم هایی ناشناخته باعث ایجاد مقاومت نسبت به آن ویروس می شود. (باقری، ۱۳۹۱، ص ۱۴۷)

۱-۱-۱-۲. مقاوم سازی در مقابل قارچ ها

برخی از گیاهان مانند یونجه و نخود فرنگی در مقابله با آلودگی قارچ ها ترکیباتی در خود تولید می کنند مانند پروتئینی به نام دیفنسین که دارای خاصیت ضد قارچی است. با انتقال این ژن به سایر گیاهان می توان آنها را نسبت به بعضی قارچ ها مقاوم نمود. (شریفی سیرچی، ۱۳۸۹، ص ۲۳)

۳-۱-۱-۱. مقاوم سازی در مقابل باکتری ها

آلودگی باکتریایی در گیاهان سبب ایجاد لکه هایی بر روی برگ یا میوه شده و در نهایت باعث ایجاد پوسیدگی های نرم، زرد شدن، پژمردگی، توقف رشد، تومور (غده) یا زخم می شود. یک خانواده از آنزیم ها تحت عنوان لیزوزایم سبب تخریب آنزیمی دیواره سلولی باکتریها می شوند. (باقری، ۱۳۹۱، ص ۱۵۳)

۴-۱-۱-۱. مقاوم سازی در مقابل آفات

مقاوم سازی در برابر آفت حشرات در گیاهان تراریخته به وسیله سموم باکتریایی از جمله سم BT است. پروتئین های سم BT که توسط خود گیاه تولید می شود، باعث تخریب معده حشرات شده و آنها از بین می برد.

۵-۱-۱-۱. مقاوم سازی در مقابل علف کش ها

علف های هرز در به دست آوردن مواد غذایی، نور، فضا و آب با گیاه زراعی رقابت می کنند. با مقاوم کردن گیاه زراعی به علف کش از روش تراریخته، الگوی مصرف سموم علف کش تغییر کرده و اسپری علف کش بر روی گیاه زراعی از مرحله ظهور تا گل دهی انجام می شود. (باقری، ۱۳۹۱، ص ۱۵۷)

۲-۱-۱. تولید محصولات مقاوم در برابر تنش های غیر زیستی

تنش های غیر زیستی شامل سرما، شوری و خشکی می باشد. استفاده از روش های مهندسی ژنتیک یکی از روش های مقابله با این تنش ها است.

۱-۱-۲-۱. مقاوم سازی گیاهان در مقابل سرما

به منظور افزایش مقاومت در برابر سرما، ژن های به دست آمده از ماهی که تولید پروتئین های ضد یخ را تنظیم می کنند در ژنوم گیاهان وارد می شود. موقعی که پروتئین ضد یخ به داخل برگ سیب زمینی، کلزا و آرابید وارد می شود، دمای انجماد این گیاهان به شدت نسبت به گیاهان اولیه کاهش می یابد. (باقری، ۱۳۹۱، ص ۲۸۸)

۲-۱-۲-۲. مقاوم سازی گیاهان در مقابل خشکی و شوری

تنش های خشکی و شوری موجب کمبود آب سلولی و کاهش محصول کشاورزی و حتی نابودی آن می شود. شکل دیگر تنش آبی برای گیاهان، شوری بیش از حد آب است که در مناطق نیمه خشک رایج است. مهندسی ژنتیک بدنبال سازگاری بین گیاه و این شرایط است.

۱. *Bacillus Thuringiensis*.

۳-۱-۱. فناوری تراریخته در خدمت اصلاح کیفیت محصولات

یکی از اهداف اساسی اصلاح گیاهان، بهبود کیفیت مواد ساخته شده توسط آنها، یعنی پروتئین ها، چربی ها، ویتامینها و سایر موادی که تعیین کننده ارزش غذایی آنها است، می باشد.

۴-۱-۱. ماندگاری بیشتر محصولات

با تغییر در ساختار ژنی این محصولات، بدون نیاز به ماده اضافه ای محصولات، مدت زمان بیشتری، با کیفیت باقی می ماند.

۵-۱-۱. جنگل زدایی کمتر

با افزایش جمعیت دنیا، نیاز به تخریب جنگل ها بیشتر می شود، اما اگر بتوان محصولاتی مقاوم به کم آبی یا مقاوم به زمین های شور زار تولید کرد، بسیاری از بیابان های لم یزرع را می توان به زیر کشت برد.

۶-۱-۱. کاهش گرم شدن زمین

در صورت دستکاری ژنتیکی گیاهان، آن ها می توانند دی اکسید کربن بیشتری مصرف کرده و اکسیژن بیشتری را به اتمسفر برسانند که پدیده گلخانه ای را کاهش می دهد و باعث کاهش گرم شدن زمین می شود.

۷-۱-۱. کاهش قیمت غذا

با کاهش آفات زیستی و غیر زیستی، میزان ضایعات کاهش یافته و موجب فراوانی و در نتیجه کاهش قیمت محصول می گردد

۸-۱-۱. تولید محصولات جدید

با دستکاری ژنتیکی، می توان محصولاتی به دست آورد که دارای خواص مطلوب چند محصول باشند .

۹-۱-۱. حفظ محیط زیست

به دلیل کاهش استفاده از سموم، تولید محصول تراریخته موجب از بین رفتن جانداران غیر هدف نمی شود.

۱۰-۱-۱. تقویت امنیت غذایی، پایداری تولید با وجود تغییر آب و هوا

برای جلوگیری از کاهش محصول در اثر تغییرات اقلیمی آب و هوا می توان با تولید محصولات سازگار با شرایط جدید امنیت غذایی را تامین کرد.

۱۱-۱-۱. کاهش بیماری سرطان ناشی از کاهش مصرف کود شیمیایی

۱۲-۱-۱. تولید مواد غذایی با خواص دارویی

در تغییر ژنتیکی گیاهان و حیوانات می توان باعث شد محصول مصرفی اعم از گوشت و شیر و دارای خواص دارویی بوده و از طریق غذا بتوانیم با بعضی بیماری ها مقابله نمائیم.

۱۳-۱-۱. اهمیت اقتصادی

تولید کنندگان محصولات تراریخته با کاهش هزینه ها در مبارزه با آفات و به دست آوردن محصولی با کیفیت و کمیت

بیشتر، سود بیشتری به دست می آورند. مصرف کنندگان نیز با خرید محصول ارزان تر در این سود شریک می شوند.

۱-۲. نقدها و نگرانی ها از واردات و تولید محصولات تراریخته

علیرغم تمامی مزایایی که برای تولید محصولات کشاورزی و غذا با منابع تراریخته برشمرده شد، با توجه به تاثیرات متعدد و گسترده ای که این دستکاری ها می تواند بر سلامت افراد، محیط زیست، امنیت و ایجاد کند و همچنین نوظهور بودن این فن آوری و ناشناخته بودن اثرات طولانی مدت آن، این محصولات از سوی برخی مجامع علمی و متخصصین مورد نقد واقع شده است. در ادامه به تعدادی از مهمترین نقد هایی که به این فناوری وارد شده می پردازیم.

۱-۲-۱. آسیب به محیط زیست

آسیب به محیط زیست شامل سه قسمت زیر می شود.

۱-۲-۱-۱. ایجاد مقاومت به علف کش ها و آفت کش ها

در دراز مدت به دلیل مقاوم شدن علف های هرز و آفات در مزارع کشت گیاهان تراریخته، استفاده از علف کش و آفت کش به شکل چشمگیری در این مزارع افزایش می یابد.#

۱-۲-۱-۲. تخریب و آلودگی ذخایر ژنتیکی

چنانچه گیاهان تراریخته در مزرعه ای حفاظت نشده کشت گردند، به علت در آمیختگی ژن آنها با نمونه های بومی، ذخایر ژنتیکی ای که در طی هزاران سال ایجاد شده نابود می شود.

۱-۲-۱-۳. تاثیر منفی در حیات وحش و نابودی بعضی گونه های زیستی

تولید انبوه محصولات تراریخته موجب اختلال در اکوسیستم حیات وحش شده و با نابودی برخی از انواع جانوران بطور مستقیم و یا با قطع چرخه حیات برخی دیگر، و از بین بردن غذای آنها، به شکل غیر مستقیم موجب نابودی آنها می گردد.

۱-۲-۲. آسیب به سلامت جامعه

آسیب به سلامت جامعه در سه قسمت زیر بیان می شود.

۱-۲-۲-۱. واکنش آلرژیک

دستکاری ژنتیکی باعث ایجاد پروتئین هایی در گیاه یا جانور جدید می شود که ممکن است برای بدن انسان به عنوان عامل بیگانه شناسایی شده و منجر به ایجاد واکنش آلرژیک شود.#

۱-۲-۲-۲. کاهش کارایی آنتی بیوتیک ها

گیاهان تراریخته به خاطر اضافه شدن کد ژنتیکی یک آنتی بیوتیک خاص به پیکره (دی-ان-ای) آنها، در برابر یک سری از باکتری ها از خود مقاومت نشان می دهند. از طرفی ما این نوع گیاهان بهینه یافته را مصرف می کنیم و مارکرهای آنتی بیوتیک مورد نظر نیز در سلول های بدن ما حضور پیدا می کنند. به همین خاطر مصرف خارجی آنتی بیوتیک می تواند پاسخ کمتری

۲. deoxyribonucleic acid (DNA).

برای درمان به همراه داشته باشد. چرا که سیستم ایمنی مان به خاطر وجود مارکرها، نسبت به آنتی بیوتیک مورد نظر عادت پیدا کرده است. (خردمندی، ۱۳۹۷)

۱-۲-۳-۳. ایجاد بعضی بیماری ها و سرطان ها

بدن انسان و موجودات زنده دارای هزاران میلیون از انواع باکتری های مفید هستند که بدون آنها ما نمی توانیم زنده باشیم. تحقیقات نشان داده است که علف کش گلایفوسایت و سایر سموم و کودهای شیمیایی و سایر ترکیبات و مواد شیمیایی سمی می تواند بر روی عملکرد میکروب های خوب بدن ما اثر مضر داشته باشد و در سلامتی ما اختلال ایجاد کند.

۱-۲-۳-۴. آسیب به اقتصاد

اثر تراریخته در اقتصاد در دو حوزه الگوی مصرف و صادرات مورد توجه قرار می گیرد.

۱-۲-۳-۱. تهدید الگوی مصرف و وابستگی به چند قلم کالای استراتژیک

با اشاعه محصولات دستکاری شده ژنتیکی، نمونه های بومی و ذخایر ژنتیکی کشور با گذشت زمان حذف خواهند شد و لذا وابستگی به محصولات تراریخته (خصوصاً محصولات استراتژیک) و شرکت های تولید کننده این محصولات افزایش خواهد یافت.

۱-۲-۳-۲. تاثیر بر صادرات محصولات کشاورزی

قطعاً خبر کشت محصولات تراریخته در ایران، منجر به حساسیت بازارهای جهانی و متقاضی محصولات کشاورزی ایرانی خواهد شد و فرصت های پیش روی صادرات بخش کشاورزی را تحت تاثیر منفی قرار خواهد داد.

۱-۲-۴-۱. نگرانی در حوزه امنیتی

با توجه به قابلیت استفاده از محصولات تراریخته به عنوان سلاح به سه نمونه از تهدیدات امنیتی این محصولات اشاره می شود.

۱-۲-۴-۱-۱. انحصار بذر و سلطه غذا

قدرتهای سلطه گر با سوء استفاده از تکنیک مهندسی ژنتیک و با ایجاد بذرهایی که قابلیت فقط یکبار کشت را دارند، منجر به انحصار بذر به عنوان منبع اصلی تولیدات کشاورزی شده اند، و از طرفی با استفاده از قانون مالکیت فکری (پتنت) به نوعی آزادی کشاورز را در تهیه بذر خود مصرفی سلب می کنند.

۱-۲-۴-۲. انحصار سم

با تولید سموم مخصوص علف کش برای گیاهان تراریخته، علاوه بر انحصار بذر، انحصار سم نیز در دست شرکت های چند ملیتی می باشد.

۱-۲-۴-۳. جنگ بیولوژیکی

جنگ بیولوژیکی را می توان استفاده عامدانه از میکرو ارگانیسم ها و سموم که عموماً منشأ آنها میکروبی، گیاهی یا حیوانی است، برای بیماری و مرگ در انسان ها، احشام و محصولات زراعی تعریف کرد. با توجه به این که قابلیت استفاده از فن آوری

ژنتیک به عنوان سلاح وجود دارد و همچنین فقدان التزام کشورهای استعمارگر و سلطه‌گر به اصول الهی، اخلاقی و انسانی، عقل سلیم بر پیش بینی تمهیدات لازم برای مقابله با جنگ‌های بیولوژیک حکم می‌کند.

۲. نقد نظرات متخصصین

با نگاهی به نظرات متخصصین این حوزه، مشاهده می‌شود که نظر واحدی در زمینه فواید و مضرات این محصولات وجود ندارد. گروهی از متخصصین این حوزه با برشمردن مزایای زیادی در حوزه اقتصادی، پزشکی، سیاسی، و... هر گونه ضرر و زیان این محصولات را انکار کرده، و تولید و مصرف این محصولات را تبلیغ می‌کنند. در مقابل گروهی دیگر از متخصصین وجود بسیاری از مزایای مطرح شده را انکار کرده و هشدار می‌دهند تولید و مصرف این محصولات موجب زیان‌های جبران‌ناپذیری برای انسان و محیط زیست خواهد شد.

گروه اول بیان می‌دارند هرچند تولید این محصولات در داخل کشور صورت نمی‌گیرد ولی حدود بیست سال است که واردات این محصولات وجود دارد و مردم بدون اطلاع از این محصولات استفاده می‌کنند. اگر این محصولات ضرری داشت، باید در این مدت مشخص می‌شد در صورتی که هیچ گزارشی مبنی بر ایجاد مشکل مشاهده نشده است و همین دلیل بی‌ضرر بودن این محصولات است.

گروه دوم با زیر سوال بردن مطلب فوق، افزایش تعداد سرطان‌ها و ناباوروری‌ها و بعضی بیماری‌های دیگر در سال‌های اخیر را در اثر استفاده از این محصولات می‌دانند. و با بیان این که هیچ تحقیق مستقلی در این سال‌ها در رابطه با اثر این محصولات بر سلامت فرد و جامعه انجام نگرفته، نبود گزارش مبنی بر ایجاد مشکل توسط این محصولات را دلیل سلامت آن نمی‌دانند.

گروه اول برای اثبات مدعای خود بیان می‌دارند، تحقیقات بسیاری در کشورهای دیگر بر روی سلامت این محصولات صورت گرفته و مراجع رسمی بین‌المللی، سازمان بهداشت جهانی و سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد و غیره، بی‌ضرر بودن این محصولات را تایید کرده، و بر آن اصرار می‌ورزند.

در مقابل گروه دوم بیان می‌دارند، جهان امروز زیر مجموعه اقتصاد سرمایه‌داری است یعنی در دنیا شما حق ندارید هر نظریه را منتشر کنید و هر نظریه‌ای از شما شنیده نمی‌شود، بلکه این نظام سرمایه‌داری است که به علم می‌گوید که چه چیزی درست است و چه چیزی درست نیست، از کدام نظریه حمایت شود و کدام نشود علی‌رغم اینکه سرمایه‌داری لگام علم را به دست گرفته و تعیین می‌کند که حتی کدام نظریه درست یا غلط است یا کدام دانشمند باید شناخته شود و کدام نشود. چیزی حدود ۷۰ سال است که سازمان CIA بخشی به نام بخش علمی دارد که وظیفه این بایکوت کردن دانشمندان، ترور دانشمندان و به دست گرفتن نهضت ترجمه، انتشار کتاب‌ها در عالم و سامان‌دهی جریان‌های علمی و مکاتب فکری است. (ارجمند، ۱۳۹۶)

از سوی دیگر معیار سلامت یک ماده غذایی از نگاه علوم مادّی، با به کارگیری اصولی چون تمیز نگه داشتن، جدا نگه داشتن موادّ غذایی خام از موادّ غذایی پخته، پختن کامل موادّ غذایی با درجه حرارت مناسب، استفاده از آب و موادّ غذایی سالم امکان پذیر می‌باشد. در صورتی که از دید یک انسان مذهبی، این چهارچوب فکری که در آن استانداردهای مربوط به ایمنی معنوی در تولید و مصرف غذا مهیا نشده، سلامت انسان را مورد تهدید قرار می‌گیرد. مثلاً اگر سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد سلامت گوشت خوک را تایید فرمودند، آیا هیچ انسان مومنی حاضر به پذیرش این موضوع است؟

گروه اول با الهام از تاریخ و ذکر این نکته که در گذشته حکام و پادشاهان برای مجالسی که می‌خواستند غذای جدیدی میل کنند با خودشان پیش مرگ می‌بردند تا قبل از آنها این پیش مرگ‌ها غذا را بخورند تا اگر پیش مرگ آسیب ندید،

پادشاه هم از آن بخورد، بیان می‌دارند اگر واقعا محصولات تراریخته در نتیجه توطئه استعمارگران در دسترس مردم قرار گرفته باشند خود این استعمارگران نباید این محصولات را مصرف کنند. این در حالی است که به سادگی و با بررسی محصولات غذایی عرضه شده در این کشورها می‌بینیم که محصولات تراریخته در دسترس عموم مردم قرار دارند.

گروه دوم بیان می‌دارند بعضی از سموم هستند که زیان آن‌ها در دراز مدت معلوم می‌شود و باید مدتی بگذرد تا آثار فساد آن دیده شود. امروزه نیز برخی‌ها در مورد تراریخته این بحث را مطرح می‌کنند و احتمال می‌دهند، اگر این در بدن انسان جمع بشود و یا در محیط زیست انباشته شود بعد از گذشت زمانی معین، ضرر خود را نشان خواهد داد. از طرف دیگر تعدادی از کشورهای پیشرفته که امکان تولید این محصولات را نیز دارند، تولید و مصرف این محصولات را در کشور خود ممنوع کرده‌اند و با مشاهده واقعیتهای جهان معاصر مشاهده می‌شود که تولید کنندگان اصلی این محصولات، شرکت‌های بزرگ سرمایه‌داری هستند که فقط به سود خود می‌اندیشند. بنا به اظهار دکتر علی کرمی:

« اگر محصولات تراریخته مشکلی دارد، مگر آمریکایی‌ها دیوانه‌اند که این محصولات را مصرف می‌کنند، واقعیت این است که اصلاً برای شرکت‌های سرمایه‌داری آمریکایی، جان مردم مهم نیست! چون اینجا دو تجارت شیرین وجود دارد: غذای آلوده منجر به بیماری می‌شود؛ و از آن سو، بیمار نیازمند دارو و درمان است، صنعت دارویی و پزشکی هم یک صنعت هزاران میلیارد دلاری است! سرمایه‌داری یعنی همین؛ ملاک پول است؛ از این راه‌های کثیف پول درمی‌آورند؛ البته در اروپا اوضاع کمی فرق دارد. » (کرمی، ۱۳۹۶)

از طرفی باید بررسی کرد مصرف کننده اصلی این محصولات کدام گروه از مردم یا کدام کشورها هستند. آیا در کشورهایی که برچسب تراریخته بر روی محصولات نصب می‌شود، گروه‌های برخوردار، حاضر به خرید این گونه محصولات هستند یا این که بخاطر قیمت پائین تر گروه‌های فقیر و کشورهای جهان سوم مصرف کننده اصلی این محصولات اند. گروه اول با مسلم گرفتن خشک سالی در آینده و افزایش جمعیت و عدم امنیت غذایی در آینده، تنها راه نجات از این وضعیت را تولید محصولات تراریخته تبلیغ می‌کنند.

گروه دیگر اولاً تنها راه افزایش کمی و کیفی محصولات را تراریخته کردن آن نمی‌دانند و ثانیاً با توجه به سیاست‌های اعمال شده در سالهای اخیر هشدار خطر کاهش جمعیت را اعلان می‌دارند.

هرچند پیش‌گویی خشک سالی در آینده بطوری که موجب قحطی شود نیز غیر دقیق و غیر قابل اثبات است. همین اختلافات در بین متخصصین این علم نشان می‌دهد که ادعای هیچ‌یک از دو طرف قطعی نیست. بنابراین در ارتباط با تولید محصولات تراریخته، هرچند به وجود ضرر قطعی نرسیده ایم اما احتمال بروز اثرات سوء در دراز مدت همچنان باقیست.

۳. بررسی فقهی تولید تراریخته

برای بررسی حکم تولید محصولات تراریخته در دو قسمت به ادله و مستندات فقهی عدم جواز و ادله جواز تولید پرداخته می‌شود.

۳-۱. قاعده وجوب دفع ضرر محتمل در عدم جواز تولید

احکام شرعی تابع و منبعت از یک سلسله مصالح و مفاسد واقعی است. همه اوامر شرعی ناشی از مصالح لازم الاستیفاء هستند و همه نواهی شرعی از یک مفاسد واجب الاحترازی نشأت گرفته‌اند. به بیان دیگر واقعی بودن مصالح و مفاسد احکام

الهی به این معنی است که شخصی چه بداند و چه نداند و به حکم حرام عمل کند، تاثیر وضعی دارد یا اینکه چه بداند و چه نداند و عمل حلال و واجبی را انجام بدهد در دنیای او و دیگران مصالح عینی دارد. در بسیاری از موارد پی بردن به تمام مصالح یا مفاسد یک حکم امکان پذیر نیست هر چند که آگاهی به برخی از مصالح یا مفاسد ممکن است. حکمت ها و مصلحت ها و مفاسد های احکام به گونه ای است که اگر عقل انسانی از آنها آگاهی یابد، همان حکمی را می کند که شرع مقدس کرده است. در مسائل مستحدثه، مانند ژنتیک، فقیه معمولاً در موضوع دخالت نمی کند و برای کشف ماهیت موضوع به کارشناسان و متخصصین همان فن ارجاع می دهد مانند حکم حرمت ماهی آزون برون که به اعتبارظن حاصل از علوم تجربی، بعد از اظهار نظر کارشناسان مبنی بر فلس داشتن این ماهی، تغییر یافت. محصولات تراریخته نیز از مواردی است که باید به عرف خاص مراجعه کنیم نه عرف عام، عرف خاص یعنی همان خواص متخصص این مباحث. (غروی، ۱۳۹۶)

اما با وجود اختلاف بین متخصصین این علم، مشخص می شود که ادعای هیچ یک از موافقین و مخالفین در سود و زیان تراریخته قطعی نیست. بنابراین در ارتباط با تراریخته، هر چند به وجود ضرر قطعی نرسیده ایم اما احتمال بروز اثرات سوء در دراز مدت همچنان باقیست. لذا به حکم عقل، انسان باید در صدد دفع ضرر محتمل باشد و با ضمیمه کردن قاعده، «كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ» به این قاعده می توان از حکم عقل به حکم شرع نیز دسترسی پیدا کرد و از وقوع ضرر و زیان محتمل، ممانعت نمود.

۱-۳-۱. تعریف قاعده وجوب دفع ضرر محتمل

قاعده دفع ضرر محتمل، از قواعد عقلی است که مضمون آن حکم عقل به دفع ضرر محتمل و یا مظنون است؛ بنابراین، اگر انسان درباره چیزی احتمال ضرر بدهد، از نظر عقل، دفع آن ضرر محتمل واجب است. این قاعده در مباحث مختلف اصولی، هم چون بحث حجیت مطلق ظن کاربرد دارد. در بحث حجیت مطلق ظن گفته شده ظن به حکم شرعی، با ظن به ضرر ملازم است و دفع ضرر مظنون از نظر عقل واجب است، پس عمل به ظن واجب است. (جزایری، ۱۴۱۵ ق، ص ۲۰۶)

در بحث احتیاط نیز یکی از ادله عقلی که برای وجوب احتیاط به آن استناد شده، همین قاعده است؛ به این بیان که مبنای اصل احتیاط، حکم عقل به دفع ضرر محتمل است؛ یعنی عقل به لزوم دفع ضرر محتمل حکم می کند، و هرگاه در مورد ترک یا انجام کاری، احتمال ضرر باشد، عقل به احتیاط حکم می کند.

۲-۳-۱. مفهوم کلمات قاعده وجوب دفع ضرر محتمل

در فرهنگ عمید کلمه ضرر مقابل نفع و به معنای گزند، نقصان، زیان و تنگی و بدحالی به کار رفته است. راغب اصفهانی هم در مفردات، ضرر را به سوء حال اعم از سوء حال نفس به سبب قلت علم و فضل یا سوء حال بدن به سبب فقدان عضوی از اعضا یا به سبب قلت مال و آبرو تفسیر نموده است.

در رابطه منطقی بین منفعت و ضرر، اگر ضرر را صرفاً به عدم منفعت معنا کنیم، رابطه ضرر و منفعت، عدم و ملکه خواهد بود. اما چنانچه ضرر را یک مفهوم مستقل بدانیم و آن را ضد منفعت معنا کنیم در این صورت رابطه منفعت و ضرر، تضاد خواهد بود و ضرر هم امر وجودی به حساب خواهد آمد. برخی از فقها منفعت و ضرر را به شکل عدم و ملکه تفسیر کرده اند و اظهار داشته اند، ضرر یک مفهوم عدمی است و ماهیتی جز عدم منفعت ندارد، لذا تقابل این دو به شکل عدم و ملکه است نه تضاد و تخالف، ولیکن به نظر می رسد ضرر هم یک مفهوم وجودی باشد که در نقطه مقابل منفعت قرار دارد و تقابلهش با منفعت تقابل

تضاد است، نه عدم و ملکه، چه اینکه در بعضی موارد عملی انجام می شود بدون این که منفعت و ضرری حاصل شده باشد. مثلاً اگر شخصی مالی را خرید و فروش نماید و سود و زبانی عایدش نگردد، نمی گویند ضرر کرده است. (لطفی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۸)

کلمه دفع در فرهنگ عمید راندن از خود، دور کردن، رد کردن و پس زدن معنی شده و در واقع در قاعده فوق به معنی پیشگیری و مانع شدن از ایجاد چیزی که مقتضی برای ایجاد آن وجود دارد می باشد. اگر منظور از ضرر، آخروی باشد چهار احتمال برای کلمه وجوب در این قاعده وجود دارد.

۱-۲-۳. وجوب غیری:

یعنی یک چیز دیگری وجوب نفسی داشته باشد که بگوییم این چیز نسبت به او وجوب غیری دارد. مثلاً نماز وجوب نفسی و وضو وجوب غیری مقدمی دارد.

۲-۳-۳. وجوب نفسی:

عقل می گوید دفع ضرر محتمل به ما هو محتمل واجب است. در وجوب نفسی، دیگر کاری نداریم که تکلیفی هست یا نیست. عقل می گوید همین که احتمال تکلیف دادی می خواهد در واقع تکلیف باشد یا نباشد، دفع این ضرر و دفع این احتمال عقوبت آخروی واجب است.

۳-۲-۳. وجوب طریقی:

وجوب طریقی احتمال ضرر ایجاد می کند. در حالی که قاعده ضرر محتمل می گوید احتمال عقاب وجود دارد و عقل دفع این احتمال را واجب می داند.

۴-۲-۳. وجوب ارشادی:

وجوب ارشادی یعنی وجوب در قاعده، وجوب عقلی است که شارع نیز آن را تایید می کند یعنی عقلاً واجب است و شارع نیز آن را تایید می کند. مرحوم نائینی و مرحوم خوئی هر دو نظرشان بر وجوب ارشادی است. (ناظمی پور، دشتی، ۱۳۹۴، ص ۲۳)

منظور از کلمه محتمل: در برخی از کتب اصولی از قاعده دفع ضرر محتمل، به قاعده دفع ضرر مظنون یاد شده که این نکته بیانگر این است که منظور از کلمه محتمل در قاعده، ظن می باشد یعنی درجایی که گفته می شود دفع ضرر محتمل واجب است منظور این است که جلوگیری کردن از ضرری لازم و واجب است که احتمال قوی بدهیم اگر پیشگیری نشود واقع خواهد شد. چنانچه در موضوعی، ذهن انسان به طور مساوی بین دو طرف قرار بگیرد و تردید داشته باشد از این حالت تعبیر به شک می شود، قطعاً شک نمی تواند مورد نظر در قاعده مزبور باشد زیرا شک به هیچ وجه نظر به واقع نداشته و هیچ گونه کاشفیتی از واقع ندارد و مورد توجه عقلاً قرار نمی گیرد. در خصوص ظن که احتمال قوی تر از شک می باشد هر چند اصل، عدم حجیت می باشد و گفته می شود: ظن ذاتاً حجت و معتبر نیست ولی قابلیت آن را دارد که حجت شناخته شود، چون فرض این است که ظن، تاب و توان آن را ندارد که دقیقاً و به طور کامل واقع را نشان دهد ولی از آن جا که ناظر به واقع است و احتمالی راجح و قوی می باشد قابلیت آن را دارد که شارع احتمال خلاف آن را نادیده بگیرد و آن را بجای قطع و یقین فرض کرده و معتبر بداند. البته این مسئله ای است که باید اثبات گردد و به طور قطع و یقین معلوم شود که شرع در موردی، ظن را حجت شناخته است، در غیر این صورت، اصل عدم حجیت آن است. (لطفی، ص ۲۱۰)

۳-۱-۳. مستندات قاعده

مهم ترین مستند قاعده وجوب دفع ضرر محتمل، حکم عقل است زیرا عقل بین ضرر معلوم و ضرر مظنون در دفع کردن، فرقی نمی گذارد و اگر کسی بدون دلیل از دفع ضرر خودداری کند مورد مذمت عقلا واقع می شود. از طرفی اگر دفع ضرر محتمل عقلاً واجب نباشد ترک آن جایز می شود که در این صورت ترجیح بلا مرجح حاصل می شود که این نیز عقلاً قبیح است. (مجاهد طباطبائی، ۱۲۶۱ ق، ص ۴۷۸)

۳-۱-۴. قاعده دفع ضرر محتمل در قرآن

آیه کریمه ۵۲ سوره مبارکه فصلت خطاب به پیامبر کرده می فرماید:

«قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مِنْ أَضَلِّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ؛ (سوره فصلت، آیه ۵۲) به آنها بگو به من خبر دهید اگر این قرآن از سوی خداوند یگانه یکتا می باشد و (حساب و جزا و بهشت و دوزخ در کار باشد) و شما به آن کافر شوید چه کسی گمراه تر خواهد بود از آن کسی که در مخالفت شدیدی قرار دارد».

در حقیقت این آخرین کلام خداوند با کافران لجوج و متعصب است که به آنها گفته می شود اگر شما حقانیت قرآن، توحید و معاد را قبول ندارید، مسلماً دلیلی نیز بر نفی آن ندارید، بنابراین این احتمال باقی است که دعوت قرآن و موضوع معاد و قیامت واقعیت داشته باشد. در این صورت شما چه سرنوشت تاریک و خطرناکی خواهید داشت.

۳-۱-۵. اقسام ضرر در قاعده وجوب دفع ضرر محتمل

برای کلمه ضرر در قاعده وجوب دفع ضرر محتمل دو معنی قابل تصور است.

۳-۱-۵-۱. اخروی:

برخی مانند مرحوم فاضل لنکرانی موضوع قاعده دفع ضرر محتمل را ضرر اخروی و برخی مطلق ضرر قلمداد کرده اند. به گفته ایشان: منظور از ضرر در قاعده دفع ضرر محتمل، ضرر اخروی است که همان عقوبت محتمل می باشد؛ یعنی عقل حکم می کند که دفع ضرر اخروی احتمالی واجب است؛ اما در مورد ضرر دنیوی چه بسا عقل چنین حکمی نداشته باشد. (لنکرانی، ۱۳۸۰، ص ۳۴۲)

عده ای گفته اند دفع ضرر یقینی هم واجب نیست مانند عمل جراحی که برای معالجه بکار می رود تا چه رسد به دفع ضرر احتمالی اما این سخن درستی نیست چون ضرری که در مقابل آن منفعت بزرگی باشد یا ضرری که برای دفع ضرر بزرگتر تحمل می شود اصلاً ضرر نامیده نمی شود مانند قطع دست برای جلوگیری از سرطان «دفع افسد به فاسد» (زراعت، مجد سرائی، ۱۳۸۵، ص ۶۱۵)

۳-۱-۵-۲. دنیوی:

برخی مراد از کلمه ضرر در قاعده را خسارات و ضررهای دنیوی می دانند نه عقاب اخروی. مرحوم مظفر در کتاب اصول فقه، موضوع قاعده دفع ضرر احتمالی را ضرر دنیوی می داند و برای اثبات نظر خود، به کلام شیخ انصاری (ره) در مبحث شبهه موضوعیه تحریمیّه اشاره می کند که صراحتاً گفته اند که دفع ضرر احتمالی دنیوی واجب است. ایشان می فرمایند:

« انصاف آن است که عقل دفع ضرر مشکوک را لازم می‌داند همانگونه که دفع ضرر یقینی را لازم می‌داند. (قیاس اولویت) کما این که اگر تحقیق کنیم می‌یابیم که اگر مابعی باشد که احتمال سَمی بودن آن برود و این احتمال با عدم احتمال سَمی بودن مساوی باشد باید از آن دوری کنیم».

البته ضررهای کم و احتمالاً ضعیف که عقلاً به آن توجه نمی‌کنند از موضوع قاعده خارج هستند مانند این که انسانی احتمال ضعیف بدهد که اگر وضو بگیرد مریض می‌شود.

با عنایت به اطلاق کلمه ضرر و تعریف مشهور مطلق « الْمَطْلُوقُ مَا دَلَّ عَلَى شَائِعٍ فِي جِنْسِهِ وَ الْمُقَيَّدُ مَا أُخْرِجَ مِنْ شَيْعٍ؛ (آخوند خراسانی، ۱۳۷۲، ص ۳۷۶) مطلق کلمه‌ای است که دلالت کند بر معنایی که دارای افرادی باشد مانند کلمات آب، انسان، بیع، جرم و کیفر و مقید، آن است که از مطلق بیرون آورده شده باشد».

این که قیدی به کلمه ضرر در قاعده وارد نشده تا آن را از اطلاق خارج کند لذا می‌توان گفت کلمه ضرر در قاعده (بنابر اعتقاد به ضرر دنیوی نه اخروی) اعم است از ضرر مالی، بدنی، شرافتی و غیره.

در صورتی می‌توان از این قاعده در حرمت استفاده از محصولات تراریخته استفاده کرد که مفهوم ضرر در قاعده مذکور شامل ضررهای دنیوی نیز بشود.

عقل یک دلیل مستقل و هم‌رتبه با قرآن و روایات است و اگر عقلای عالم بر دفع یک ضرر مقطوع حکم کردند قطعاً نزد شرع معتبر است و تخطی از آن جایز نیست، لذا کلام آقای فاضل محل تأمل است. بحث ما با کسانی که قاعده دفع ضرر را مختص به ضرر اخروی می‌دانند، کبروی و با کسانی که در قاعده مذکور قائل به اطلاق آن هستند، صغروی است لذا با این دسته بحث می‌کنیم که آیا محصولات تراریخته ضرر دارد یا نه؟ (غروی، ۱۳۹۶)

در بحث اصلاح ژنتیک این نکته که ضرر محتمل وجود دارد، قابل انکار نیست. ممکن است در جایی احتمال ضعیف باشد ولی محتمل قوی باشد لذا در هنگام سنجش باید حاصل ضرب احتمال و محتمل را به درصد با همین حاصل ضرب در طرف دیگر مقایسه کنیم تا به یک نتیجه عقلانی برسیم، آنوقت ارزش احتمال در اینجا مشخص می‌شود که هر کدام ارزشش بیشتر بود شما عقلاً باید آن طرف را برگزینید. (غروی، ۱۳۹۶)

۳-۱-۶. وجوب جستجو در شبهات حکمیّه و موضوعیّه

هرگاه در خصوص تکلیف واقعی از حیث حرمت یا وجوب، شک داشته باشیم اعم از این که این شک در شبهات حکمیّه باشد یا در شبهات موضوعیّه و ادله اجتهادی کتاب و سنت و اجماع و عقل را بررسی نمائیم و دلیل معتبر بر وجود تکلیف واقعی الزامی بدست نیاوریم، در این جا در مقام عمل و به جهت خروج از حالت شک و تردید و از باب حکم ظاهری می‌گوئیم، اصل برائت از تکلیف است. اجرای اصل برائت در شبهات بدویّه منوط به فحص و جستجو از دلیل برای اثبات تکلیف و مایوس شدن از دسترسی به دلیل است زیرا موضوع برائت عقلی، عدم بیان است و تحقیق این امر به جستجوی همه جانبه نیازمند است. به دلیل وجوب دفع ضرر محتمل، در غیر این صورت نمی‌توان به اجرای اصل برائت مبادرت ورزید چرا که در آن صورت اگر با مخالفت واقع شود، عقل مواخذه او را قبیح نمی‌داند. (لطفی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۳)

۳-۱-۷. وجوب احتیاط در شبهات مقرون به علم اجمالی

چنانچه شک و تردید، در خصوص حکم یا موضوعی همراه با یک علم اجمالی باشد یعنی به وجود تکلیفی (حرمت یا وجوب) علم داشته باشیم ولیکن در متعلق تکلیف شک داشته باشیم و یا اینکه به اصل تکلیف الزامی علم داشته ولی در نوع تکلیف

(وجوب یا حرمت) شک و تردید داشته باشیم در اینجا شبهه را شبهه ی مقرون به علم اجمالی می گویند. در شبهات مقرون به علم اجمالی، موضوع موافقت و مخالفت قطعیه و موافقت احتمالیه مطرح است. مثلاً می دانیم یکی از دو ظرف مایع در مقابل ما خمر است ولی نمی دانیم کدام یک خمر و کدام یک آب است؟ اگر شخص، هردو ظرف مشکوک به شراب بودن را ترک کند موافقت قطعیه شارع را تحصیل کرده است و اگر هر دو را مرتکب شود، مرتکب مخالفت قطعیه شارع و قانون گذار شده است. در مثال دیگر ما می دانیم در روز جمعه، نمازی بر ما واجب است ولی ندانیم نماز جمعه است یا نماز ظهر؟ اگر در این حالت یکی از دو نماز را بجای آوریم موافقت احتمالیه شارع را بدست آورده ایم.

مجرای غالبی اصل احتیاط، شبهات مقرون به علم اجمالی است و مجرای اقلی آن، شبهات بدوی است و آن هنگامی است که تکلیف مشکوک مهم و غیر قابل مسامحه باشد. مبنای احتیاط عقلی، قاعده دفع ضرر محتمل می باشد. این قاعده به شکل موضوع و محمول بیان می شود به این ترتیب که موضوع آن احتمال ضرر در آن وجود دارد اعم از این که انجام فعل باشد یا ترک فعل، و محمول آن، لزوم اجتناب از آن است. (لطفی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۴)

۸-۱-۳. استفاده از قاعده وجوب دفع ضرر محتمل در محصولات تراریخته

با بررسی کتابها، مقالات و مستندات متعددی که در موافقت و مخالفت محصولات تراریخته نوشته شده، بدست می آید که نسبت به سلامت و بی ضرر بودن محصولات تراریخته در بین دانشمندان این رشته تردید جدی وجود دارد و هیچ یک از موافقین و مخالفین، عوارغم ادعا های خود قادر به اثبات نظر خود نیستند. در این میان بسیاری از مدیران و تصمیم گیران جامعه به دلیل عدم اطلاع از واقعیت و ماهیت این محصولات و تنها با تکیه بر ارقام و اعدادی که در فواید و عملکرد این محصولات به دستشان می رسد و منبع معتبری نیز برای آن ذکر نمی گردد از آن دفاع کرده و یا با آن مخالفت می کنند. به طوری که گاهی سیاست دولت های مختلف درون نظام در این رابطه باهم متضاد می شود.

چنانچه بیان شده بیوتکنولوژی ۳۲ شاخه دارد که یکی از شاخه های مهندسی ژنتیک است و یکی از شاخه های مهندسی ژنتیک موضوع تراریخته است، لذا بیوتکنولوژی مساوی با تراریخته کردن محصولات نیست همچنان که علم و فناوری هم مساوی با بیوتکنولوژی نیست. (ارجمند، ۱۳۹۶)

مهندسی ژنتیک مجموعه ای از فنون و روش ها جهت استفاده در عرصه های مختلف است. با دانش نمی توان مقابله کرد و آن را بد دانست بلکه استفاده نامناسب از آن می تواند به بدی منجر شود و عامل خطر شود. این فقط برای مهندسی ژنتیک نیست همه علوم فیزیک، شیمی، رایانه و غیره می تواند مورد سوء استفاده واقع شوند. پس این که مهندسی ژنتیک را دانشی غیر ایمن و مضر برای سلامت بشر و جامعه بدانیم اشتباه است. مهندسی ژنتیک فی نفسه دانش خطرناک و مضر نیست بلکه باید دید از این علم و فنون در چه جهت و چه منظوری استفاده می شود.

برای حفظ سلامت انسان و درمان بیماران؟ حفظ محیط زیست و امنیت غذایی جامعه؟ مبارزه با فقر و گرسنگی و یا ضد آن؟ همه علوم خط قرمزهایی دارند که نباید از آن عبور کرد و آن همان مرز اخلاق، حقوق و سلامت انسان، جامعه و محیط زیست کره زمین است. تفکیک بین کاربردهای مفید مهندسی ژنتیک و کاربردهای احتمالی آسیب رسان آن برعهده گروهی از متخصصان از حوزه های مختلف زیست فن آوری، متخصصین ژنتیک جمعیت، اکولوژی، محیط زیست، ایمنی و امنیت زیستی، اخلاق و حقوق فن آوری، فقیهان و اقتصاد دانان می باشد چرا که مسائل اجتماعی، علمی و سیاسی نوعاً تک بعدی نیستند و این گونه مسائل را باید از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار داد.

اگر هدف حفظ سلامت جامعه و محیط زیست و تداوم زندگی سالم و باکرامت برای همگان باشد باید به طور جدی این محصولات مورد ارزیابی قرار گرفته و تا زمانی که سلامت هر محصولی کاملاً احراز نشده، جانب احتیاط را حفظ نمود و از تجاری سازی آن بنا بر حکم عقلی و جوب دفع ضرر محتمل جلوگیری گردد. برای این منظور وجود مراکز نظارتی مستقل که براساس موازین و مقررات زیستی، ارزیابی های علمی و استاندارد را انجام دهند تا بی خطر بودن تک تک این محصولات را تایید کنند الزامی است.

۲-۳. لزوم حفظ محیط زیست و آیه افساد در حرث و نسل

توسعه تمدن صنعتی و ماشینی آثار اجتناب ناپذیری به بار آورده و بیش از همه سلامت محیط زیست را در معرض تهدید قرار داده است. ساخت کارخانه های صنعتی، نیروگاه ها، صنایع پالایشگاهی و پتروشیمی، ایجاد جاده ها و سد ها و ... هر چند که موجب آسایش انسان شده و استفاده هر چه بیشتر از منابع خدادادی را برای بشر به همراه داشته ولی در کنار آن مشکلاتی را نیز برای محیط زیست و حیات انسان و سایر جانداران ایجاد کرده است. به طوری که همه ساله شاهد انقراض بعضی از گونه های گیاهی و جانوری هستیم. مقادیر قابل توجهی از جنگل ها در اثر ایجاد جاده و راه آهن نابود می شود. مراتع در اثر چرای بی رویه دام و خشک سالی از بین می رود. تالاب ها و دریاچه ها در اثر تغییر مسیل رودخانه ها و حفر چاه های غیر مجاز رو به خشکی می رود. ورود فاضلاب های صنعتی و سایر آلاینده ها به ذخایر آب سطحی و زیرزمینی موجب آلودگی محیط زیست و تهدید جدی حیات انسان و سایر جانوران می شود. استفاده از سموم و روند فزاینده مصرف سوخت های فسیلی تاثیرات مخربی روی خاک و هوا بر جای گذاشته و موجب بیماری های گوناگون شده است.

باتوجه به این که همه اوامر و نواهی الهی در جهت صلاح دنیا و آخرت انسان نازل شده، هرگز انتظار نمی رود دین در برابر پدیده محیط زیست که ارتباط تنگاتنگی با حیات انسان دارد موضع سکوت و بی تفاوتی اتخاذ نماید.

دهها روایت با مضامین عالی در اسلام و در متون دینی ما درباره زمین و محیط زیست وجود دارد؛ آیاتی که به فراورده های روی زمین، که همه آن متعلق به بشریت و مسخر اوست، اشاره می کند. مطالعه و بررسی در قرآن کریم نشانگر آن است که محیط زیست و عناصر آن مورد عنایت ویژه کتاب الهی می باشد. در قرآن بارها به مقوله تسخیر طبیعت و منابع آن، احیای طبیعت، دریاها و خشکی ها، کوه ها، هوا و باد، درختان، رودها، جانوران، زمین و آسمان پرداخته شده است.

بنابر اهمیتی که محیط زیست در زندگی دارد، انسان باید در قبال طبیعت احساس مسئولیت کند. اسلام و ادیان الهی خواسته اند تعادل میان انسان و طبیعت را حفظ کنند. عدم حفظ این تعادل ناشی از عواملی است که عمده اش خودخواهی های انسان، قدرت طلبی و قلدری بعضی از انسانها است. وقتی این تعادل حفظ نشد آن وقت بحران محیط زیست پیش می آید؛ و این بحران به همه ی بشر آسیب می رساند.

۱-۲-۳. مستندات حفظ محیط زیست

جهت حفظ محیط زیست و استفاده مدبرانه از آن می توان به مستندات عقل و قرآن اشاره نمود.

۱-۲-۳-۱. عقل

از جمله مستندات حفظ محیط زیست، حکم عقل است. مقصود از حکم عقل در موضوع محیط زیست بخشی از مدرکات عقل عملی است که در کتب اصولی متاخر مورد عنایت واقع شده و بر قاعده کلامی حسن و قبح عقلی که نزد عدلیه به رسمیت شناخته شده و نیز قاعده ملازمه میان حکم عقل و حکم شرع استوار گشته است. (مظفر، ۱۳۸۶، ص ۲۰۰)

هرگونه اقدام انسانی که موجب برهم خوردن توازن و تعادل محیط زیست شود و در زندگی انسان اختلال ایجاد نماید و موجب هلاکت نوع بشر گردد، قبیح است و در مقابل تلاش آدمی در جهت حفظ و صیانت محیط زیست و احیای آن که به تقویت توازن و تعادل عناصر آن می انجامد موجب حفظ نظام و بقای نوع و مصداق عمل نیکو است.

باید توجه داشت که حکم عقل در مقوله محیط زیست از جمله احکام مبتنی بر حسن و قبح اقتضایی است و علت تامه برای حسن و قبح نیست، یعنی عناوین الزامات مربوط به محیط زیست، قطعی، همیشگی و استثنا ناپذیر نیست؛ زیرا در شرایط تراحم با مصلحت برتر، مصلحت سلامت محیط زیست مغلوب می شود. آیاتی از قبیل:

« مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لَبَنَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ؛ (سوره حشر، آیه ۵) هرختلی را قطع کردید یا بر ریشه هایش وانهادید، همه به خواست خدا بود تا فاسقان را خوار گرداند.»

اقدام پیامبر(ص) به قطع درختان نخل و تحریق آن ها در جریان بنی نضیر و بعضی از دستورها ی دینی در باب شرایط جهاد مشروع که با مساله صیانت از محیط زیست تعارض دارد در همین راستا تبیین می شود. اگر احیا و اصلاح محیط زیست علت تامه برای حسن و تخریب و هدم آن علت تامه قبح بود هرگز استثناء در آن راه نمی یافت، زیرا که احکام عقلی محض، تخصیص پذیر نیست. (عظیمی، ۱۳۹۱، ص ۵۷)

۲-۱-۲-۳. قران کریم

در قران کریم خصوصیتی برای الدالخصام، یعنی لجوج ترین، سرسخت ترین و خبیث ترین دشمنان ذکر شده که یکی از خصوصیات چنین است:

« وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ؛ (سوره بقره، آیه ۲۰۵) اما هنگامی که ولایت و سلطه پیدا کنند با تمام قدرت درگسترش فساد در زمین می کوشند و مال و جان مردم را از بین می برند درحالیکه خدا فساد را دوست نمی دارد.»

روایت شده که این آیه در شان منافقی به نام اخنس بن شریق ثقفی نازل شده است. وی در مدینه نزد پیامبر به اسلام تظاهر کرد و چون بیرون آمد به کشتزار گروهی از مسلمانان گذر نمود، آنجا را آتش زد و چارپایی را پی کرد (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۹ق، ص ۶۶) علامه طباطبایی در تفسیر این آیه کریمه، قوام نوع انسان را به دو مقوله تغذیه و تولید مثل وابسته دانسته است. او سپس به اتکای تغذیه آدمی به حیوان و گیاه و اهمیت حفاظت گیاه از طریق حرث و تربیت نبات اشاره می کند و بر این باور می گردد که افساد در زمین از طریق اهلاک حرث و نسل انجام می شود. (طباطبائی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۴۳)

۱-۲-۱-۳. معانی کلمات آیه

تَوَلَّى: به معنی اعراض، دوست اخذ کردن و سرپرستی می آید، گویا در آیه معنی اخیر مراد است. کلمه «تَوَلَّى» را دو نوع می توان معنا نمود: یکی به معنای به قدرت و حکومت رسیدن که در ترجمه آمده است. و دیگری به معنای اعراض کردن است که در این صورت معنای آیه چنین می شود: هرگاه از حق و هدایت الهی اعراض نمود و از نزد تو بیرون رفت، به سراغ فتنه و فساد می رود.

أَلَدٌ: خصومت شدید. أَلَدٌ: کسی که شدید الخصومه است. أَلَدٌ آنکه خصومتش شدیدتر است. الخصام: خصام جمع خصم و نیز به معنی خصومت آید، مراد از آن در آیه جمع خصم است. حرث: زراعت. کشت.

النسل: انسانها. نسل در اصل به معنی انفصال است، فرزند را نسل گویند که از انسان منفصل می شود. (قرشی، ج ۱، ص ۲۷۳) از ظاهر این عبارت بر می آید که می خواهد جمله قبلی یعنی فساد در زمین را بیان کند، و بفرماید فساد و افسادش به این است که حرث و نسل را نابود کند، و اگر نابود کردن حرث و نسل را بیان فساد قرار داده برای این است که قوام نوع انسانی در بقای حیاتش به غذا و تولید مثل است اگر غذا نخورد می میرد، و اگر تولید مثل نکند نسلش قطع می شود، و انسان در تامین غذایی به حرث یعنی زراعت نیازمند است چون غذای او یا حیوانی است و یا نباتی، و حیوان هم در زندگی و نموش به نبات نیازمند است پس حرث که همان نبات باشد اصل در زندگی بشر است، و بدین جهت فساد در زمین را با اهلاك حرث و نسل بیان کرد، پس معنای این آیه این شد که او از راه نابود کردن حرث و نسل در زمین فساد می انگیزد، و در نابودی انسان می کوشد. (طباطبائی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۴۳)

در آیه ۴۱ سوره روم ایجاد فساد در روی زمین حاصل اعمال ناشایست مردم معرفی شده آنجا که می فرماید: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (سوره روم، آیه ۳۰) به خاطر کارهایی که مردم انجام داده اند، فساد در خشکی و دریا آشکار شده است، تا (خداوند) کیفر بعضی اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید به سوی حق بازگردند».

در آیه ۳۰ سوره شوری می خوانیم: « مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْقُوا عَنْ كَثِيرٍ » (سوره شوری، آیه ۳۰) هر مصیبتی به شما رسد به خاطر عملکرد شماست، ولی بدانید که خداوند به خاطر رحمت و لطفش از بسیاری گناهانتان می گذرد» برخی سختی ها و تلخی های دنیوی، گوشه ای از کیفر گناهان انسان است.

۲-۱-۲-۳. پیام های آیه

۱. شرک، سبب فساد و تباهی در زمین است. «عَمَّا يُشْرِكُونَ - ظَهَرَ الْفَسَادُ»
۲. اعمال انسان، در طبیعت اثر می گذارد. اعمال ناروای انسان، مانع از سودبخشی آب و خاک و عامل بروز پدیده های ناگوار است. «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ»
۳. فساد محیط زیست، به خاطر عملکرد انسان است. «ظَهَرَ الْفَسَادُ ... بِمَا كَسَبَتْ ...»
۴. همه ی کیفرها به قیامت واگذار نمی شود، بلکه بعضی کیفرها در همین دنیا تحقق می یابد.

«لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي»

۵. آنجا که هدف هشدار و اصلاح است، گاهی اندکی تنبیه کافی است. «لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»

۶. هدف از چشاندن کیفر بعضی گناهان، توبه و بازگشت است. «لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» باید از بلاها درس گرفت. (قرائتی، ص ۱۸۲)

۲-۲-۳. ارتباط آیه حفظ محیط زیست و تولید محصولات تراریخته

در فصل دوم قسمت نقدها و نگرانی هایی تولید و تکثیر محصولات تراریخته، بیان شد یکی از نگرانی های جدی در تولید این محصولات، آسیب رسیدن به محیط زیست و سلامت انسانها است با توجه به این که در مهندسی ژنتیک تاثیرات بلند مدت انتقال ژن بین گونه های مختلف کاملاً روشن نیست در صورتی که قبل از احراز سلامت تک تک این محصولات اقدام به تجاری سازی و قرار دادن قوت غالب مردم از این محصولات گردد، امکان ضرر های غیر قابل جبران برای انسان و محیط زیست قابل پیش بینی است. لذا به حکم عقل و توجه به آیه شریفه ۴۱ سوره روم، حفظ احتیاط ضروری به نظر می رسد. همچنین با توجه

به امکان جنگ بیولوژیک در نبرد های مدرن امروز و قابلیت استفاده از این تکنولوژی به عنوان جنگ افزار کشتار جمعی خاموش، به واسطه ایجاد بیماری یا ناباروری در جمعیت هدف و تباہ کردن حرث و نسل، واردات هرگونه محصول تراریخته قبل از اطمینان و احراز سلامت آن، معقول و مشروع به نظر نمی رسد.

۳-۳. اصل اباحه در جواز تولید محصولات تراریخته

از جمله قواعد فقهی که جهت جواز تولید محصولات تراریخته به آن استناد می شود قاعده اصالت اباحه است. براساس این تحلیل در صورت شک در حرمت یا حلیت موضوعی، اصل بر حلیت و اباحه آن است مگر این که دلیلی بر حرمت آن اقامه گردد. به عبارت دیگر این دیدگاه بیان می دارد براساس شرع، اصل اولیّه حاکم بر اشیاء حلیت می باشد و آن چه نیازمند دلیل و اثبات است حکم حرمت و نامشروع بودن است.

قبل از بررسی این مسئله باید اصل جواز تصرف در طبیعت را مورد بررسی قرار داد. که آیا بشر مجاز به تصرف در طبیعت است؟ و اگر مجاز است این جواز محدود است یا مطلق؟ در صورت محدود بودن حد و مرز آن کجاست؟ در این رابطه دو رویکرد وجود دارد. گروهی از علمای اسلام بیان می دارند که:

خدای متعال چون موجد و خالق است لذا مالک هم هست و این یک اصل عقلی است که « مَنْ أَوْجَدَ شَيْءَ مَلَكٍ وَ مَلِكٍ التَّصَرُّفَ فِيهِ »، هر کسی که یک شیئی را ایجاد کند اختیار تصرف در آن را دارد. جواز تصرف متوقف بر مالکیت است. یعنی تا کسی شئی را تملک نکند، تصرف او جایز نیست. مالکیت هم سبب می خواهد؛ پس هرگاه سبب مالکیت محرز نباشد یا عدم مالکیت محرز باشد، در اینجا قاعده حرمت تصرف جاری است بنابراین اصالت الحرمة حاکم می شود. اگر هم ما قائل به اصالة الاباحه شویم، اصالة الاباحه خروج از این اصل اولی است. اصل عدم تصرف است. این اصل مبتنی بر دو قاعده است.

دلیل عقلی دال بر اصالة الحرمة این است که اساساً در هر شیئی تصرف جایز نیست مگر اینکه یا خود مالک باشد یا از مالک آن شیء اجازه تصرف داشته باشد و مالکیت هم سبب می خواهد و در هر چیزی که سبب مالکیت انسان نسبت به آن شیء محرز نیست (حال یا مالکیت بالاصالة یا مالکیت بالإجازة) اینجا اصل عدم تصرف در آن است. این یک قاعده عقلی است.

قاعده دیگر مبتنی بر اصل شرعی مالکیت عام و مطلقه خدای متعال است. از ادله شرعی استفاده می کنیم که « **وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ** » (سوره نساء، آیه ۱۲۶) هر چه در آسمان و زمین است همه ملک خداست « این آیه دلالت دارد که خداوند مالک است.

چون خدای متعال مالک همه چیز از جمله آنفس بشر و مخلوقات و اعراض و اموال آنهاست وقتی مالک آنفس آنهاست پس مالک هر چیزی که از عوارض نفس آنها هم هست، خواهد بود. بنابراین تا از سوی خدا اجازه تصرف داده نشود، اصل، حرمة التصرف است. (اراکی، ۱۳۹۹)

از طرف دیگر مشهور در میان فقهای امامیه این است که حکم عقل و شرع هر دو بر اصالت اباحه قائم است. (انصاری، ۱۴۱۴ق، ص ۲۸۷) در زیرتعدادی از مستندات شرعی امامیه شامل آیات و احادیث منقول از ائمه جهت استناد به اصالت اباحه آورده شده اوست.

۱. « **هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً** » (سوره بقره، آیه ۲۹) او خدایی است که همه موجودات زمین را برای شما خلق کرد»

۲. «یا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالاً طَيِّباً؛ (سوره بقره، آیه ۱۶۸) ای مردم از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه را تناول کنید».

۳. قُلْ لَا أُجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ؛ (سوره انعام، آیه ۱۴۵) بگو ای پیامبر در احکامی که به من وحی شده است، من چیزی را که برای خوردگان طعام حرام باشد، نمی یابم، جز آن که میته (حیوان مرده) باشد یا خون ریخته یا گوشت خوک».

از امام صادق (علیه السلام) نیز نقل شده که: «كُلْ شَيْءٌ مُطْلَقٌ حَتَّى يَرِدَ فِيهِ نَهْيٌ؛ (حر عاملی، ۱۳۸۷ق، ص ۱۲۷) همه اشیاء مباح اند مگر آن که مورد نهی واقع شده باشند».

عقل اولین دلیل اصالت جواز تصرف در طبیعت است. تقریر دلیل عقلی به این شکل است که هرگونه محدودیت یا ممنوعیت که عقل بر امری داشته باشد به جهت ملازمه‌ای است که میان آن امر و یک قبح و یا فساد پیدا کرده است. اما مفهوم تصرف در طبیعت فی حد نفسه - نه این که ملازمات خارجی در کنار آن بیاید - ملازم با هیچ قبح یا فساد نیست. اگر قبح یا فساد از آن حاصل شود ناشی از الصاق خارجی تصرف به یک سری امور دیگر است. وقتی عقل در خود عنوان تصرف در طبیعت قبح و فساد پیدا نمی کند جواز آن اصل خواهد بود و ممنوعیت یا محدودیت یا ایجاد مانع نیازمند دلیل خواهد بود. اما دلیل این که چرا عقل در خود تصرف در طبیعت قبح و فساد پیدا نمی کند، این است که تصرف در طبیعت را موافق با فطرت و طبیعت انسان می بیند.

خلقت انسان اینگونه است که هم توانایی تصرف در طبیعت را دارد و هم این که گرایش های قوی غریزی در انسان برای تصرف در طبیعت قرار داده شده است. عقل در مانع تراشی کلی بر سر راه این غرایز قبح و فساد را می بیند. بنابراین اصالت را به جواز می دهد و ممنوعیت یا محدودیت را نیازمند دلیل می بیند. (حسنی، ۱۳۹۵)

۱-۳-۳. اباحه در لغت:

لغت عربی اباحه در فرهنگ لغت عمید به معنای ۱-مباح کردن؛ حلال دانستن؛ جایز شمردن؛ روا دانستن. ۲-مشترک دانستن اموال و املاک. و در تهذیب اللغة اباحه از ریشه بوح و بُووح به معنی اجازه دادن می باشد.

۲-۳-۳. تعریف اصل اباحه در فقه:

اباحه در معانی مخیر ساختن مکلف بین انجام دادن کاری و ترک آن، صحت و مشروعیت چیزی، حکم عقل به عدم قبح کاری، معذور بودن در انجام دادن آن و مأذون بودن و استحقاق تصرف داشتن به کار رفته است. (سایت ویکی فقه، ۱۳۹۹، ذیل واژه اباحه)

اصل اباحه، مقابل اصالت حظر بوده و به معنای حکم اولی عقل به جواز تصرف در اشیا با قطع نظر از وجود شرع و حکم شارع نسبت به آنها می باشد. (جزایری، ۱۴۱۵ق، ص ۴۰۰)

۳-۳-۳. مباح در اصطلاح فقهی:

مباح یکی از احکام پنج گانه است و برای اشاره به فعلی به کار می رود که انجام و ترک آن از نظر فقهی یکسان است و پاداش و کیفری و مدح و ذمّی درباره آن بیان نشده باشد. (شاهرودی، ۱۳۹۸، ص ۲۰۴) به بیان دیگر، مباح فعلی است که هیچ

یک از احکام واجب، حرام، مستحب یا مکروه درباره آن وارد نشده باشد و در نتیجه، فرد مکلف در انجام دادن یا ترک آن فعل کاملاً مخیر است؛ مانند فعل خوردن یا خوابیدن که در شرایط عادی، حکمی ندارد و فرد می‌تواند به آنچه می‌خواهد عمل کند. با توجه به تعریف بالا، اباحه در عبادات مصداق ندارد. (مکی عاملی، بی تا، ص ۳۱) و تمام افعالی که به عبادت مربوط می‌شوند ذیل یکی از چهار حکم واجب و مستحب و حرام و مکروه قرار می‌گیرند.

۴-۳-۳. ارتباط اصل اباحه با مسئله مهندسی ژنتیک:

در خصوص ارتباط اصل اباحه و مسائلی از قبیل تولید محصولات تراریخته و مهندسی ژنتیک، شبهات و مسائلی وجود دارد که باید به آنها پاسخ گفت از قبیل:

۱. اصالت جواز تصرف نسبت به نحوه تصرف ساکت است. عقلاً آزادی عمل در نحوه تصرف را نمی‌پذیرند و سیره‌ی شارع هم این نیست؛ یعنی جواز تصرف فقط در اصل تصرف است نه در نحوه تصرف. تصرف اعم از تصرف به انتفاع و تصرف به تغییر است؛ به عنوان مثال ما در خانه خود تصرف می‌کنیم، می‌توانیم آن را تغییر دهیم، باز خانه‌ای داریم که مستأجر هستیم و در آن تصرف می‌کنیم و نمی‌توانیم آن را تغییر بدهیم. اگر تصرف مالکانه باشد یک نوع است، و اگر تصرف غیر مالکانه باشد یک نوع دیگر است؟ نکته‌ی دیگر این است که حتی اگر تصرف مالکانه باشد باز هم آن‌جا مثل تصرف در بدن خود نمی‌توان در تمام موارد تصرف کرد؛ برای مثال تصرف بی‌رویه در مال اسراف است. بنابراین باید معلوم شود ما چه نوع تصرفی می‌خواهیم داشته باشیم.

۲. با توجه به آیه «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»، کلمه «لکم» را می‌توانیم به معنای انتفاع، اباحه و یا مالکیت در نظر بگیریم. ولی هر معنا را بگیریم باید برای آن منفعت محرز شود. و باید دید آیا تصرف در چرخه و امر حیات، مصداقی از «لکم» است یا نیست؟

۳. در آیه فوق باید توجه کرد که مراد از «کم» کیست؟ آیا جامعه‌ی معین است یا جامعه‌ی غیر معین؟ آیا منظور همه‌ی بشریت است؟ آیا حوزه «کم» را باید وسیع بگیریم و نسل‌ها را به حساب آوریم؟

۴. با توجه به آیه «خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (سوره بقره، آیه ۲۹) او خدایی است که همه موجودات زمین را برای شما خلق کرد» یا «سَخَّرَ لَكُمْ» باید دید منظور تغییر در طبیعت به صورت مرسوم همیشگی و حداقلی است یا اینکه دخالت در حیات به نحوی که نظام طبیعت را دگرگون کند و نظام جانداران را جا به جا کند، جایز است؟ آیا «ما» در «ما فی الارض» بعد از این که ما آن را تغییر دادیم صدق می‌کند؟ یا اساساً نسبت به این امور انصراف دارد؟

۵. آیا «خَلَقَ لَكُمْ» خودانسان را در بر می‌گیرد و ما مجازیم انسان را تغییر دهیم و تسخیر کنیم؟ چون همین انسان جزئی از «ما» در «ما فی الارض» است. حتی اگر یک جزئی از انسان را به نفع کل بدن تغییر دهیم و این ادله را تمام بدانیم هر چیزی به عنوان جزء بدن که نگاه کنیم «ما فی الارض» است.

۶. اگر تصرف به تغییر باشد عقل و آیات و روایات بین امور مهم و امور غیر مهم فرق می‌گذارند. در اموری که خیلی مهم است اصل بر جواز نیست، اصل بر احتیاط است، اصل بر پرسش است؛ اگر مسأله جدی در بین باشد حتی اگر احتمال آن کم باشد، عقلاً طور دیگری برخورد می‌کنند. بنابراین در کنار تبیین اصل جواز تصرف ضرورت دارد از گونه‌ی تصرف و معیارهای مهم بودن و غیر مهم بودن مسئله سخن گفته شود.

۷. از آن جایی که بین اصل تصرف و کیفیت و گستره‌ی تصرف ملازمه است. اگرما قائل شوم به این‌که تصرف جایز است اما کیفیت و گستره معلوم نیست یعنی عملاً نمی‌توانم تصرف کنیم. مهم‌ترین یافته‌ی این آیات اصل جواز تصرف در طبیعت و ایجاد فضای پرسش است نه باز گذاشتن دست برای هر تصرفی.

با توجه به این‌که بعضی تصرفات انجام شده توسط انسان، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به طبیعت، محیط زیست و بشریت وارد آورده و به این موضوع در بعضی آیات قرآن نیز اشاره شده، از جمله «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» (سوره روم، آیه ۳۰) به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند، فساد در خشکی و دریا آشکار شده است. از مجموعه مطالب فوق چنین برداشت می‌شود که موضوع بحث جواز تصرف یا عدم آن نیست. بلکه بحث بر سرنحوه و گستره تصرف است. چیزی که مسلم است تصرف در طبیعت فقط با رضایت مالک حقیقی جهان یعنی خداوند متعال مشروع است. با همین استدلال موضوع گستره و طریق تصرف نیز محدود به آن چه او امر کرده و به آن راضی است می‌شود. با توجه به این‌که معنی تصرف درهمه جا یکسان نیست، برای فهمیدن رضایت خداوند در هر موضوعی باید هر عنوان را به صورت جزئی با توجه به آیات و روایات و عقل مورد بررسی قرار داد و در صورت عدم ایجاد فساد، بسط قسط و عدل به تصرف در مخلوقات خدا اقدام کرد.

نتیجه گیری

با توجه به دو قاعده فقهی اباحه و دفع ضرر محتمل و آیه حفظ نفس هرچند جواز تولید این محصولات داده شده ولی هرگز این جواز بصورت مطلق نبوده و با قیودی از قبیل احراز سلامت قبل از تولید تجاری، عدم ایجاد فساد در طبیعت و به طور کلی انجام هر تغییری در جهت رضایت خالق و مالک واقعی جهان، محدود می‌شود.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

کتابها

۱. آخوندخراسانی، محمد کاظم بن حسین، (۱۳۷۲ش) کفایه الاصول، تهران، ناشر اسلامیه.
۲. انصاری، مرتضی بن محمد امین، (۱۴۱۴ق) رسائل فقهیه، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
۳. باقری، عبد الرضا، بیوتکنولوژی گیاهی، (۱۳۹۱) انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
۴. جزایری، محمدجعفر، (۱۴۱۵ق) منتهی الدرایه فی توضیح الکفایه، قم، انتشارات دار الکتب جزایری.
۵. جمعی از نویسندگان، (۱۳۶۷) دانشنامه بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۸۷ق) وسائل الشیعه، بیروت.
۷. زراعت، عباس، مجد سرائی، حمید، (۱۳۸۵) ترجمه و تبیین اصول فقه مظفر، قم، حقوق اسلامی.
۸. شریفی سیرچی، غلامرضا، کاظمی پور، علی، (۱۳۸۹) بیوتکنولوژی: اصول و مبانی، کرمان، دانشگاه شهید باهنر.
۹. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۸۲) میزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۱۰. عاملی (شهید اول)، ابوعبدالله شمس‌الدین محمد بن مکی، (بی تا) القواعد و الفوائد فی الفقه والاصول و العربیة، قم، مکتبه المفید.
۱۱. عظیمی، محمد علی، (بهمن ۱۳۹۱)، «فقه حکومتی و محیط زیست»، نشریه معرفت، سال ۲۱، شماره ۱۸۲، ص ۵۷.
۱۲. عمید، حسن، (۱۳۹۰) فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۳. فاضل لنکرانی، محمد، (۱۳۸۰ش) سیری کامل در اصول فقه، قم، فیضیه.
۱۴. قرشی، سیدعلی اکبر، (۱۳۷۷ش) تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت.
۱۵. واحدی نیشابوری، علی ابن احمد، (۱۴۱۹ق) اسباب النزول الایات، ص ۶۶.
۱۶. هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۳۹۸)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت(ع)، موسسه دایره المعارف فقه اسلامی.

مقالات

۱۷. لطفی، اسدالله، (پائیز ۱۳۹۱)، «قاعده وجوب دفع ضرر محتمل و کاربرد آن در قانون دادرسی مدنی»، فصل نامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۵۹.
۱۸. ناظمی پول، صابر، دشتی اردکانی، محمد رضا، (۱۳۹۴)، «قاعده وجوب دفع ضرر محتمل»، ماه نامه کانون، شماره ۱۴۹ و ۱۵۰.

سایتها

۱۹. ابوالحسن حسنی، «محدود کردن یا منع تصرف در طبیعت نیازمند دلیل است»، سایت پایگاه اطلاع رسانی بیوتکنولوژی ایران، ۹۹/۴/۱۲، <https://irbic.ir/7036>.
۲۰. آیت الله محسن اراکی، «در سی و یکمین جلسه درس خارج فقه اصل در نفوس و اعراض»، سایت وسائل، <http://vasael.ir/fa/news/1619>.
۲۱. رسول خردمندی، «محصولات تراریخته؛ فواید، مضرات و دورنمای استفاده از این نوع محصولات»، سایت دیجیاتو، ۸ اردیبهشت ۱۳۹۹، digiato.com/article/2018/10/2.
۲۲. علی ارجمند، «الزامات فقهی تراریخته»، سایت خبرگزاری دانشجو، ۱۳۹۹/۳/۱، snn.ir/fa/news/639183.
۲۳. علی کرمی، «محصولات تراریخته توطئه صهیونیسم علیه جمعیت مسلمانان»، سایت دکتر علی کرمی، ۱۳۹۹/۳/۱، dralikarami.com/articles_view/id,71/ .html / محصولات تراریخته. توطئه صهیونیسم علیه جمعیت مسلمانان
۲۴. محسن غرویان، «تبیین اعتبار ظن در مساله ضرر محصولات تراریخته»، سایت وسائل، ۱۳۹۹/۳/۱، vasael.ir/fa/news/7244.
۲۵. محسن غرویان، «درس خارج مسائل مستحدثه»، سایت وسائل، تاریخ مراجعه ۱۳۹۹/۳/۱، <http://vasael.ir/fa/news/7214>.
۲۶. محسن قرائتی، تفسیر نور، سایت پایگاه جامع قرآن کریم، تاریخ بازدید ۱۳۹۹/۵/۱۳، <https://quran.anhar.ir/tafsirfull-26204.htm>.
۲۷. ویکی فقه، واژه «اباحه»، سایت ویکی فقه، تاریخ بازدید ۹۹/۴/۱۰، <https://wikifqh.ir/>.